

عدالت سیاسی در حکومت مهدوی با نگاهی به چالش‌های پیش‌رو

طاهره ماهرزاده^۱

زهرا فرزنانگان^۲

چکیده

عدالت سیاسی به معنای اداره جامعه بر مبنای عدالت و شایسته‌سالاری، یکی از ابعاد عدالت اجتماعی است که در حکومت جهانی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف ظهور ویژه‌ای خواهد یافت. تحقق حکومت عدل مهدوی با دربرداشتن دو شاخصه مشروعیت الهی و مقبولیت مردمی، نیازمند اخذ راهبردهایی چون قانون‌گذاری بر مبنای حق و عدالت، تشکیل قوه مجریه از کارگزاران عدل‌پیشه و زمینه‌سازی برای مشارکت سیاسی عادلانه در میان آحاد افراد جامعه است که بر اساس آیات و روایات در زمان ظهور شکل خواهد گرفت. در این پژوهش به شیوه توصیفی و تحلیلی با استناد به منابع روایی به تبیین شاخصه‌ها و راهبردهای حکومت مهدوی در تحقق عدالت سیاسی پرداخته و از گذر آن چالش‌های پیش‌رو به منظور تحقق عدالت سیاسی نیز تبیین می‌شود. مهم‌ترین این چالش‌ها، فقدان ولایت‌پذیری در میان نخبگان جامعه و کمبود همدلی در بدنه جامعه شیعی است. این آسیب‌ها در زیرساخت‌های معرفتی و اخلاقی بشر ریشه دارد و مانع اصلی ظهور و تحقق آن حکومت یگانه است.

کلیدواژگان: حکومت مهدوی، حکومت جهانی، عدالت سیاسی، چالش ظهور، راهبرد.

۱. استادیار، عضو هیئت علمی جامعه المصطفی‌العالمیه، پژوهشگر جامعه الزهراء ع (نویسنده مسئول)

mahrozadeh@gmail.com

۲. دانشجوی دکتری کلام اسلامی دانشگاه قم Z.farzanegan@gmail.com

مقدمه

پیش‌گویی‌های موعودنگرانه و منجی‌گرایانه در احادیث و ادعیه وارد شده از معصومان علیهم‌السلام عدالت اجتماعی را به عنوان یک برنامه اساسی در حکومت مهدوی یاد می‌کند. حکومتی که بر اساس معیار حق و فضیلت شکل گرفته، اقامه عدل و قسط را از اساسی‌ترین بنیاد جامعه یعنی ساختارهای حکومتی آغاز خواهد کرد. عدالت اجتماعی در عصر ظهور، مقوله‌ای فراگیر است و در ساحت‌های کلان سیاست، اقتصاد، فرهنگ و قضاوت بازتاب گسترده‌ای خواهد داشت. نخستین گام برای تحقق عدالت اجتماعی در عصر ظهور، ایجاد عدالت سیاسی در برپایی حکومتی توحیدی بر مبنای شایسته‌سالاری است و لازمه آن، برچیدن قدرت‌های استکباری شکل‌گرفته در زمان پیش از ظهور است. راهبردهای تحقق چنین سیاست و حکومت عدل محوری در عصر ظهور بر مبنای آیات و روایات رسیده از امامان معصوم علیهم‌السلام موضوعی است که ذهن یک پژوهشگر را به کندوکاو علمی وامی‌دارد تا با ارائه پژوهشی مستقل در این زمینه، چالش‌های موجود در جوامع اسلامی پیش از ظهور را در زمینه تحقق عدل و قسط در عرصه سیاست به تصویر کشد؛ سپس بر اساس ساختارهای حکومت مطلوب اسلامی که نمونه اکمل آن در دوران طلایی ظهور محقق خواهد شد، با روش توصیفی و تحلیلی و استفاده از آیات و روایات اسلامی به آسیب‌شناسی وضع موجود اقدام کند و در نهایت، راهکارهایی کلان در عرصه سیاست برای گسترش عدل معرفی نماید.

پژوهش‌های انجام‌گرفته در رابطه با «شاخصه‌ها و راهبردهای عدالت سیاسی در حکومت امام مهدی عجل‌الله‌تعالی‌فی‌فرجه‌الشریف» اغلب مربوط به دوران معاصر است. کمتر پژوهشی با این عنوان و در راستای اهداف در نظر گرفته شده یافت می‌شود تا از آن بتوان به عنوان منبعی برای تحقیق حاضر استفاده کرد؛ لکن مقالاتی با محتوایی مرتبط وجود دارد که در اینجا به ذکر دو نمونه از آن‌ها پرداخته می‌شود:

«عدالت مهدوی و توسعه سیاسی»: مهدی قربان زاده، نشریه انتظار، ۱۳۸۴، شماره پانزدهم.
«شاخص‌های عدالت سیاسی و راهکارهای تحقق آن»: سید جواد امام‌جمعه‌زاده، جمیل، اخجسته، پژوهش‌های سیاسی، ۱۳۹۰، شماره دوم.

وجه تمایز این مقاله نسبت به کارهای انجام‌شده، تبیین عدالت سیاسی در حکومت مهدوی

است که بر اساس شاخصه‌های مطرح شده به برخی چالش‌های مهم نیز می‌پردازد.

مفهوم‌شناسی

۱. عدالت

واژه «عدل» مصدر فعل «عَدَلَ يَعْدِلُ» است و از نظر لغوی معانی متعددی دارد؛ نقیض جور و ستم،^۱ فدیة،^۲ میانه‌روی در امور^۳ و حکم کردن به حق^۴ معانی موردنظر از این واژه نزد اهل لغت می‌باشند.

راغب در مفردات می‌نویسد:

عدالت و معادله، لفظی است که مقتضی معنای مساوات است و به اعتبار قرابت معنایی این دو واژه با یکدیگر، همراه با لفظ مساوات استعمال می‌شود؛ پس عدل یعنی تقسیط به گونه مساوی و برابر. لذا روایت شده است: «بِالْعَدْلِ قَامَتِ السَّمَاوَاتُ وَالْأَرْضُ» که تنبیهی است بر این که اگر یکی از ارکان اربعه در عالم هستی بیشتر از دیگری و یا ناقص باشد، بنابر مقتضای حکمت الهی، این عالم منظم و دقیق نخواهد بود.^۵

با توجه به معانی لغوی ذکرشده، شهید مطهری رحمته‌الله چهار معنای اصطلاحی برای عدل ذکر می‌کند:

۱. موزون بودن؛
۲. تساوی و نفی هرگونه تبعیض؛
۳. رعایت حقوق افراد و عطاکردن حق هر ذی‌حقی به او؛
۴. رعایت استحقاق‌ها در افاضه وجود و امتناع نکردن از افاضه و رحمت به آنچه امکان وجود

۱. فراهیدی، العین، ج ۲، ص ۱۱۵۴؛ ابن منظور، لسان العرب، ج ۹، ص ۸۳؛ جوهری، صحاح، ج ۵، ص ۱۷۶۰-۱۷۶۱؛ فیومی، مصباح المنیر، ص ۳۹۶

۲. ابن منظور، لسان العرب، ص ۸۴. جوهری، همان.

۳. فیومی، مصباح المنیر، ص ۳۹۶.

۴. همان.

۵. راغب اصفهانی، مفردات الفاظ قرآن کریم، ص ۵۱۹.

یا کمال دارد.

آن‌گاه معنای سوم را از میان این معانی برمی‌گزیند.^۱ در پژوهش حاضر نیز واژه «عدل» به همین معنا به کار می‌رود.

۲. عدالت سیاسی

با بازگشت به معنای واژه «عدل» به نقش محوری اعطای حقوق برمی‌خوریم که باید در تعریف عدالت سیاسی لحاظ شود. «سیاست» نیز در این جا به معنای حکومت و قدرت حاکمیت می‌باشد؛ بنابراین مهم‌ترین جنبه عدالت سیاسی، اعطای حقوق مردم در حوزه حاکمیت و رهبری است. منظور از عدالت سیاسی آن است که امور کشور به نحو شایسته اداره شود تا مردم در یک فضای عادلانه به زندگی خود ادامه دهند برخوردار از برابری، امنیت و آسایش به عنوان حقوق طبیعی افراد جامعه، تأمین کننده این فضای عادلانه خواهد بود.^۲

۳. راهبرد

راهبرد معادل واژه «استراتژی» مشتق از ریشه strategos به معنای «فرماندهی لشکر» است. واژه استراتژی در حال حاضر به معنای علم ایجاد هماهنگی و همکاری بین طرح‌های اقتصادی و سیاسی و نظامی در سطح دولت یا بین چند دولت و به کارگرفتن کلیه امکانات برای دستیابی به هدف‌های نظامی است.^۳ استراتژی در سیاست به معنای بسیج همه امکانات و تغییر دادن شرایط در جهت مناسب برای رسیدن به یک هدف اساسی است.^۴ در نگاه کلی‌تر، این واژه به معنای وسایلی است که برای دستیابی به هدف خاصی به کار می‌روند. در این جا مسئله، عملکرد به شیوه‌ای عقلانی برای رسیدن به مقصدی است.^۵ راهبردهای عدالت سیاسی در مقاله حاضر به معنای شیوه‌ها و راهکارهای برقراری عدالت در عرصه سیاست است.

۱. مطهری، عدل الهی، ص ۵۴-۵۶.

۲. آشوری، حقوق بشر و مفاهیم مساوات عدالت و انصاف، ص ۲۰۷.

۳. علی بابایی، فرهنگ سیاسی آرش، ص ۸۲.

۴. آشوری، دانشنامه سیاسی، ص ۲۶.

۵. شایان مهر، دائرة المعارف تطبیقی علوم اجتماعی، ج ۳، ص ۱۴۴.

۴. حکومت مهدوی

«حکومت» از ریشه «حکم» به معنای قضاوت کردن است.^۱ در اصطلاح به دستگاه حاکمه یا نظام حاکم بر یک کشور اطلاق می‌شود؛^۲ به عبارت دیگر مجموعه‌ای از سازمان‌های اجتماعی است که برای تأمین روابط طبقات اجتماعی و حفظ انتظام جامعه به وجود می‌آید.^۳ کلمه «حکومت» اگر با صفتی به کار برده شود، برای مشخص کردن نوع رژیم سیاسی است؛ چنانکه گفته می‌شود: «حکومت پارلمانی» یا «حکومت دموکراسی».^۴ بنابراین «حکومت مهدوی» نیز بیانگر حکومتی است که در رأس دستگاه حاکمه حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف قرار داشته و ارکان سیاسی نظام به دست شخص وی منصوب شوند.

راهبردهای تحقق عدالت سیاسی در حکومت مهدوی

در این بخش راهبردهای کلی در راستای تحقق عدالت سیاسی بر اساس پیشگویی‌های صورت گرفته در آیات و روایات در دوران طلایی ظهور بررسی می‌شود. آنچه هیئت حاکمه مهدوی پس از ظهور امام عجل الله تعالی فرجه الشریف در عرصه سیاسی با آن روبه‌روست، پیش از هرچیز موانعی است که بر سر راه تشکیل حکومت جهانی آن حضرت وجود دارد؛ از این رو مهم‌ترین راهبرد، رفع موانع می‌باشد و حکومت‌های ظلم‌پیشه شکل گرفته پیش از ظهور از موانع اصلی تحقق عدالت در همه ابعاد - اعم از سیاسی، اجتماعی و - می‌باشند که با برخورد قاطعانه امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف روبه‌رو خواهند شد.

۱. مقابله با مخالفان عدل محوری

به طور کلی لازمه اجرای عدالت در جامعه در اختیار داشتن قدرت است و چنین قدرتی تنها با در دست داشتن حکومت امکان‌پذیر خواهد بود. علاوه بر آنکه ساختارهای حکومتی جهان

۱. ابن منظور، لسان العرب، ج ۳، ص ۲۷۰؛ جوهری، مصباح المنیر، ص ۱۹۰.

۲. طلوعی، فرهنگ جامع سیاسی، ص ۴۷۶؛ آشوری، دانشنامه سیاسی، ص ۱۴۱.

۳. علی بابایی، فرهنگ سیاسی آرش، ص ۲۶۷.

۴. آشوری، دانشنامه سیاسی، ص ۲۶.

پیش از ظهور نیز با تأمین هدف حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف که همان تربیت انسان‌ها برای رسیدن به قرب الهی است، متناسب نخواهد بود و نیازمند تغییر می‌باشد؛ چرا که هر ساختاری برای برآورده کردن یک دسته نیاز طراحی می‌شود و وقتی نیازهای دیگر بر انسان‌های جامعه حکم فرما گردد، باید ساختارها دگرگون شوند تا پاسخ‌گوی نیازهای جدید جامعه باشند.^۱

از طرف دیگر ساختاری که در جوامع ملحد و التقاطی پیش از ظهور شکل گرفته، هرگز گنجایش عدالت مهدوی را نخواهد داشت؛ برای مثال در جوامع غربی، ساختارهای قدرت به گونه‌ای شکل گرفته است که همواره عده خاصی در پشت پرده، سیاست‌های جامعه را به پیش می‌برند و نفس ساختارها برای محافظت از قدرت آن‌ها است. نظام توزیع قدرت به گونه‌ای طراحی و اجرا شده است که اراده‌های عموم مردم نتواند قدرت را از دست آن‌ها بگیرد بنابراین ساختارهای حکومتی، خود به تنهایی عاملی بر سر راه گسترش عدالت است.^۲

مقابله با مخالفان و افرادی که در فتنه‌انگیزی و ایجاد مانع بر سر راه تشکیل حکومت عدل مهدوی خواهند کوشید، امری ناگزیر است و با پیش‌گویی احادیث، به جنگ و خونریزی می‌انجامد. اما نتیجه این مبارزات، غلبه توحید و استقرار حکومت عدل خواهد بود. خداوند متعال در قرآن کریم می‌فرماید: «هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَكَفَىٰ بِاللَّهِ شَهِيدًا».^۳ این وعده‌ای صریح و قاطع از سوی خداوند قادر متعال در رابطه با غلبه اسلام بر همه ادیان است. در تفاسیر ذیل آیه شریف، روایاتی را ذکر می‌کنند که تحقق این وعده را به نحو اتم و اکمل تنها در عصر ظهور و به دست مبارک حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف می‌دانند؛^۴ چنانکه در حدیث قدسی خطاب به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در مورد حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف چنین آمده است: «به أَطْهَرِ الْأَرْضِ مِنْ أَعْدَائِي وَ أَوْثَمِهَا أَوْلِيَائِي وَ بِهِ أَجْعَلُ كَلِمَةَ الَّذِينَ كَفَرُوا بِي السُّفْلَىٰ وَ كَلِمَتِي الْعُلْيَا».^۵

۱. قربان زاده، عدالت مهدوی و توسعه سیاسی، ص ۸۶.

۲. همان، ص ۹۵.

۳. توبه، ۳۳.

۴. برای نمونه، رک: طباطبائی، المیزان، ج ۹، ص ۳۴۰.

۵. صدوق، أمالی، ص ۶۳۲.

عدل ورزی در این مرحله از قیام مهدوی در دو حوزه قابل بررسی است:

الف. عدالت در اصل جنگ

نکته قابل توجه در مورد درگیری‌های حکومت مهدوی با مخالفان خود، اجرای عدالت در اصل درگیری و مبارزه است؛ بدین معنا که قیام و انقلاب حضرت حجت عجل الله تعالی فرجه الشریف تنها به درگیری با کسانی خواهد انجامید که قصد دشمنی و مانع تراشی بر سر راه تشکیل حکومت جهانی به دست حضرت داشته، مستکبران خواهان استمرار و تقویت نظام‌های ستم‌پیشه و خودکامه قبل از ظهور باشند؛ به عبارت دیگر تازیانه قهر مهدوی تنها دامن کسانی را خواهد گرفت که به حق شایسته آن باشند.

تصور غالب حتی میان شیعیان، حاکی از رخ دادن جنگ‌ها و خونریزی‌های گسترده است و منشأ ایجاد چنین تصویری نیز روایات زیادی است که از حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف چهره‌ای خشن ارائه می‌دهد، پذیرش چنین توصیفی نیازمند تأمل و بررسی است. به عقیده برخی محققان، هرچند عدد روایات در باب سیره خشن امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف به بیش از پنجاه مورد می‌رسد، از این تعداد، سند بیش از سی مورد آن‌ها، به فردی به نام محمد بن علی الکوفی می‌رسد. این شخص در زمان امام حسن عسکری علیه السلام می‌زیسته و از معاصران جناب فضل بن شاذان است. فضل بن شاذان از اعظم شیعه است که هیچ شکی در قدر و منزلت وی وجود ندارد و امام عسکری علیه السلام وی را مدح فرموده است. فضل، محمد بن علی کوفی را «رجل کذاب» می‌خواند و تمام علمای رجال بر بی‌اعتباری روایات او حکم کرده‌اند.

بسیاری از این روایات علاوه بر ضعف سند، از نظر دلالت نیز ناتمام و غیرقابل پذیرش هستند؛ زیرا مفاد بسیاری از آن‌ها با ضروریات دین در تعارض است و به هیچ وجه نمی‌توان آن‌ها را توجیه کرد. در این احادیث گاه به امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف اوصافی نسبت داده می‌شود که در مورد ظالم‌ترین افراد تاریخ بیان نشده است؛^۱ برای نمونه: «سمعت أبا جعفر علیه السلام يقول: لو يعلم الناس ما يصنع القائم إذا خرج لأحبب أكثرهم أن لا يروه مما يقتل الناس... يقول كثير من الناس ليس هذا من آل

۱. رامین، مهدویت و اخلاق جنگ و صلح، ص ۳۶.

محمد ﷺ لو كان من آل محمد ﷺ لرحم»^۱. نمونه دیگر از این گونه روایات: «قال أبو جعفر ﷺ: ليس شأنه إلا السيف لا يستتیب أحداً»^۲.

شیخ طبرسی، فقیه، محدث و مفسر بزرگ شیعه، تمام روایاتی که در باب اعمال خشونت در حکومت جهانی امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشريف است، به لحاظ مدلول نامعتبر دانسته و قائل به عدم حجیت آنان شده است.^۳

بنابراین اصل عدل‌ورزی در شکل‌گیری جنگ‌ها و رخ دادن کشتارهای احتمالی، برای حکومتی که به شهادت روایات، جهان را از عدالت مالا مال خواهد کرد، امری ناگزیر است. نباید از این نکته نیز غفلت کرد که اجرای عدالت به معنای رحم و عطف‌ورزی در همه عرصه‌ها نمی‌باشد؛ بلکه چنانکه گذشت، نابود ساختن دشمنان عدالت و حامیان ظلم، خود مقدمه تشکیل حکومتی عادلانه است.

ب. سپاهیان عدالت‌پیشه

در عدالت سیاسی، عدل‌ورزی در اصل جنگ و جهاد به تنهایی کافی نیست؛ بلکه تمام مراحل جنگ باید عادلانه باشد. ضرورت این مسئله از این روست که اگر امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشريف در راه‌اندازی جنگ بر ضد دشمن، عادلانه عمل کند، اما مجاهدان جبهه حق، افرادی باشند که به عمد یا خطا، مردم بی‌گناه را مورد آسیب قرار دهند، چنین مبارزه‌ای نمی‌تواند یک مبارزه به تمام معنا عادلانه محسوب شود.

جنگاوران حکومت مهدوی خود، اسوه عدل و داد بوده، در کمالات اخلاقی افرادی کم‌نظیر خواهند بود. روایات رسیده از معصومان علیهم السلام امتیازات ویژه‌ای را از نظر اخلاقی برای یاران و سربازان سپاه حضرت حجت عجل الله تعالی فرجه الشريف برمی‌شمارند. امام صادق علیه السلام در توصیف یاران حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشريف فرمود: «كَأَنَّ قُلُوبَهُمْ زَبَرُ الْحَدِيدِ... رَجَالٌ لَا يَنَامُونَ اللَّيْلَ لَهُمْ دَوَىُّ كَدْوَى النَّحْلِ، يَبْتَئُونَ قِيَامًا عَلَى أَطْرَافِهِمْ وَ يَصْبَحُونَ عَلَى خِيُولِهِمْ، رَهْبَانٌ بِاللَّيْلِ لِيُوثَّ بِالنَّهَارِ هُمْ أَطْوَعُ لَهُ مِنَ الْأُمَّةِ لَسِيَدَهَا

۱. نعمانی، الغيبة، ص ۲۳۳.

۲. همان.

۳. رامین، مهدویت و اخلاق جنگ و صلح، ص ۳۶.

کالمصایح کأن قلوبهم القنادیل و هم من خشية الله مشفقون.. بهم ینصر الله إمام الحق»^۱. همچنین رسول خدا ﷺ فرمود: «یجمع الله له من أقالی البلاد علی عدّة أهل بدر ثلاثمائة و ثلاثة عشر رجلاً... کدادون مجّدون فی طاعته»^۲.

روشن است که این تسلیم و فرمانبرداری محض از اوامر ولیّ الهی، به عدل ورزی در حوزه جنگ و جهاد می‌انجامد؛ چرا که مفاد بیعت‌نامه سپاهیان و جنگاوران با حضرت، بر پایه عدالت و تقوا بوده است و اساساً محال است که امر ولیّ الهی چیزی برخلاف عدالت باشد؛ زیرا امر معصومان علیهم‌السلام در راستای اراده خداوند است و خداوند نیز به عدل و احسان دستور داده است: «إِنَّ الله یأمر بالعدل و الإحسان»^۳.

۲. تحقق حکومت عدل محور

در مکانیزم تحقق عدالت سیاسی مهدوی، پس از رفع موانع، شکل‌دهی به یک ساختار حاکمیتی عادلانه، دومین راهبرد اصولی خواهد بود. این چشم‌انداز با برخورداری از کادر اجرایی صالح که خود آئینه تمام‌نمای عدل اسلامی باشند، در سایه مشارکت مردمی قابل دستیابی است.

الف. کارگزاران عدالت‌پیشه

اداره جهان، آن هم براساس عدالت‌ورزی در همه زمینه‌ها امری فردی نخواهد بود؛ بلکه امام عصر عجل‌الله‌تعالی در هیئت حاکمه خویش از استوانه‌هایی برخوردار خواهد بود که هر یک به تنهایی

۱. مجلسی، بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۳۰۸ (ترجمه: او مردانی دارد که گویی دل‌هایشان از پاره آهن است... آنان مردانی شب‌زنده‌دار هستند که شب را در حال قیام - به پرستش می‌پردازند- و به هنگام نماز، زمزمه‌ای مانند زنبور عسل دارند و صبح هنگام درحالی که بر اسب‌های خود سوارند، برای انجام مأموریت می‌روند. آنان پارسایان شب و شیران روزند و در برابر حضرت از یک کنیز نسبت به مولا و مالک خود، فرمان‌بردارترند و در برابر او امرش تسلیم هستند... از ترس خدا، حالت خاصی پیدا کرده‌اند... خداوند به وسیله آنان، به امام حق یاری می‌رساند).

۲. همان، ص ۳۱۰-۳۱۱ (ترجمه: خداوند برای حضرت مهدی عجل‌الله‌تعالی از گوشه و کنار جهان به تعداد اهل بدر، جنگجو گرد می‌آورد. آنان در فرمان‌برداری از حضرتش بسیار کوشا و مصمم هستند).

۳. نحل، ۹۰.

سمبل عدالت و مجری آن در حوزه اختیارات خویش باشند. روایاتی که از صفات و ویژگی‌های یاران امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشريف سخن می‌گوید، گویای این مطلب است؛ برای نمونه، امیر المؤمنین علیه السلام در توصیف شرایط سخت پیش از ظهور و تحول چشم‌گیر آن در حکومت مهدوی، از «گروهی شایسته» به عنوان مدیران حاکم نام می‌برد که نشانگر کادر اجرایی عدالت‌پیشه در این دولت است: «لتملائن الأرض ظلماً و جوراً حتى لا يقول أحد إلا الله إلا مستخفياً ثم يأتي الله بقوم صالحين يملكونها قسطاً و عدلاً كما ملئت ظلماً و جوراً»^۱.

روشن است که نخستین شرط احراز صلاحیت برای برقراری عدالت اجتماعی، حاکم ساختن عدالت در وجود خویشتن است که از آن با عنوان «عدالت فردی» یاد می‌شود. آری؛ با تکیه به چنین هیئت حاکمه‌ای است که تحقق عدالت در سراسر گیتی امری شدنی خواهد بود. مسلماً از دیدگاه اسلام حاکمیت بر مردم حق کسانی نیست که با تکیه به منابع ثروت و ... قدرت سیاسی بیشتری یافته‌اند؛ بلکه این حق از آن کسی است که شایستگی اداره امور جامعه را داشته باشد و از آنجا که اولین وظیفه دستگاه حکومتی عدالت‌ورزی در اجتماع است، کسانی که توانایی‌های لازم برای این امر را داشته باشند، باید در رأس حاکمیت قرار گیرند؛ چنانکه امیر المؤمنین علیه السلام فرمود: «أَيُّهَا النَّاسُ، إِنَّ أَحَقَّ النَّاسِ بِهَذَا الْأَمْرِ أَقْوَاهُمْ عَلَيْهِ وَأَعْلَمُهُمْ بِأَمْرِ اللَّهِ فِيهِ»^۲. امام خمینی علیه السلام نیز در این رابطه فرمود:

خدای تبارک و تعالی که ملاحظه فرموده است که در بشر بعد از رسول الله صلی الله علیه و آله کسی نیست که بتواند عدالت را به آن طوری که باید انجام بدهد، آن طوری که دلخواه است انجام بدهد، مأمور می‌کند رسول الله صلی الله علیه و آله را که این شخص را که قدرت این معنا را دارد که عدالت را به تمام معنا در جامعه ایجاد کند و یک حکومت الهی داشته باشد، این را نصب کن. نصب حضرت امیر علیه السلام به خلافت این طور نیست که از مقامات معنوی حضرت باشد، مقامات معنوی حضرت و مقامات جامع او این است که غدیر پیدا بشود و

۱. طوسی، الأمالی، ص ۳۸۲. (ترجمه: بدون شک زمین تا آنجا سرشار از ستم می‌شود که کسی جز پنهانی نام خدا را نبرد، آن‌گاه خداوند گروهی شایسته را روی کار آورد تا زمین را - چنان‌که پر از ظلم و جور شده - سرشار از قسط و عدالت کنند).
 ۲. نهج البلاغه، خطبه ۱۷۳ (ترجمه: ای مردم، سزاوارترین اشخاص به خلافت، آن کسی است که در تحقق حکومت، نیرومندتر و در آگاهی از فرمان خدا داناتر باشد).

اینکه در روایات ما و از آن زمان تا حالا این غدیر را آن قدر از آن تجلیل کرده‌اند، نه از باب اینکه حکومت یک مسئله‌ای است؛ حکومت آن است که حضرت امیر^{علیه السلام} به ابن عباس می‌گوید که «به قدر این کفش بی‌قیمت هم پیش من نیست»، آنکه هست اقامه عدل است.^۱

با این توضیح می‌توان گفت اساس تشکیل حکومت از سوی حضرت مهدی^{علیه السلام} و یاران ایشان بر مبنای عدالت در عرصه سیاست است؛ چراکه از منظر اسلام، تنها شایستگان و صالحان حق حاکمیت بر مردم را دارند؛ بنابراین مبنای حکومت مهدوی شایسته‌سالاری است. این وعده‌ای است که خداوند متعال در قرآن کریم و کتاب‌های آسمانی پیش از آن به مؤمنان داده است: «ولقد كتبنا في الزبور من بعد الذكر أن الأرض يرثها عبادي الصالحون».^۲

کلمه «صالحون» که در آیه شریف به کار رفته، معنای گسترده و وسیعی دارد و می‌تواند همه شایستگی‌های لازم برای حکومت و اداره جامعه را در بر بگیرد؛ شایستگی از نظر عمل و تقوا، علم و آگاهی، قدرت و قوت و همچنین تدبیر، نظم و درک اجتماعی.^۳

در روایات زیادی حضرت مهدی^{علیه السلام} و یارانش از مصادیق این آیه شریف شمرده شده‌اند. امام باقر^{علیه السلام} فرمود: «این‌ها اصحاب مهدی^{علیه السلام} در آخرالزمان‌اند».^۴ همچنین برخی از مصادیق «شایستگان» در حکومت آخرالزمان در روایات مشخص شده‌اند. امام صادق^{علیه السلام} فرمود: «برای یاری قائم^{علیه السلام} بیست و هفت نفر از پشت کعبه بیرون می‌آیند؛ پانزده تن از قوم موسی - همان‌ها که به سوی حق هدایت می‌کردند و به حق و عدالت، داوری می‌نمودند- و هفت تن از اصحاب کهف و یوشع بن نون و سلمان فارسی و ابودجانه انصاری و مقداد بن اسود و مالک اشتر. این‌ها در پیشگاه آن حضرت، انصار و حاکمانش هستند»؛^۵ بنابراین در حکومت مهدوی نه تنها رئیس و پرچمدار حاکمیت، فردی شایسته و صالح خواهد بود؛ بلکه با استخدام کارگزارانی صالح،

۱. امام خمینی، صحیفه نور، ج ۲۰، ص ۲۷-۲۸.

۲. انبیاء، ۹۵.

۳. مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۱۳، ص ۵۱۷-۵۱۸.

۴. طبرسی، مجمع البیان، ج ۱۶، ص ۱۷۲.

۵. مجلسی، بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۹.

دولت صالحان روی کار خواهد آمد و عدالت سیاسی با تمام معنای خود محقق خواهد گشت.

ب. مشارکت سیاسی برابر

مشارکت سیاسی به معنای دخالت و همکاری مردم و نهادهای مردمی در پیدایش و ایجاد مراکز قدرت و نظارت بر حسن اعمال قدرت،^۱ از دیدگاه اسلامی هم حق محسوب می‌شود و هم تکلیف. از منظر حقوقی یک «حق» است؛ یعنی افراد می‌توانند آزادانه این حق را اعمال کنند یا از آن چشم‌پوشند. هیچ‌کس نمی‌تواند این حق را از آنان سلب کند یا آنان را وادار به استفاده از این حق کند.^۲ بر خلاف دیدگاه سکولاریسم، در مواردی که افراد جامعه اسلامی برای برپایی عدالت و حفظ نظام اسلامی شرعا مکلف به اقامه امر به معروف و نهی از منکر هستند، مشارکت سیاسی آنان چهره‌ای تکلیفی نیز پیدا می‌کند.

در حکومت عدل‌محور مهدوی، مشارکت سیاسی برابر به معنای حاکمیت دموکراسی در جهان نیست. اشکالات مربوط به این نظریه در جای خود مطرح شده^۳ و از بحث ما خارج است. بر اساس دیدگاه اسلام در مورد حاکمیت، ولایت بر نفوس و اموال، منحصر در خداوند متعال و کسانی است که این ولایت به آن‌ها اعطا شده است و مردم نقشی در اعطای ولایت ندارند؛^۴ بنابراین مشارکت سیاسی در حکومت مهدوی در راستای زمینه‌سازی برای اقامه حکومتی عدل‌پیشه و بیعت با مجریان عدالت و پس از آن نظارت بر اجرای عدالت تجلی می‌یابد که در این بخش به بررسی این دو مؤلفه در حکومت مهدوی بر اساس آیات و روایات پرداخته می‌شود.

۱. مشارکت مردمی زمینه‌ساز تشکیل حکومت

از دیدگاه اسلام، اراده و انتخاب مردم نمی‌تواند مشروعیت بخش به اعمال حکومتی دستگاه سیاسی باشد؛ زیرا مردم جامعه خود نیز حق حاکمیت نداشته و طبیعتا در اعطای این حق نیز توانی ندارند. از منظر اسلام، حق ولایت و حاکمیت در عصر حضور منحصر در اختیار امام و

۱. دیلمی، مشارکت سیاسی در اندیشه اسلام و غرب، ص ۹۲.

۲. همان، ص ۹۴.

۳. قربان‌زاده، عدالت مهدوی و توسعه سیاسی، ص ۸۱.

۴. مصباح‌یزدی، جمهوریت در نظام سیاسی اسلام، ص ۱۳.

جانشین پیامبر^ﷺ است. این مطلب با مستندات قرآنی و روایی فراوان قابل اثبات است؛ مانند آیه ولایت که با ادات حصر، مبین این نوع انحصار است.^۱ تعیین امام از منظر کلام امامیه، با نص پیامبر اکرم^ﷺ و همچنین امام بعدی امکان‌پذیر است. کلینی در کافی از امام صادق^ﷺ در این رابطه نقل می‌کند: «آیا گمان می‌کنید که هر یک از ما به هر کس دلمان بخواهد می‌تواند وصیت کند؟ نه به خدا قسم؛ بلکه امامت عهد و پیمانی است از طرف خدا و رسولش برای مردی دیگر تا امر به صاحبش برسد».^۲

انتصاب امامت و حق حاکمیت امام مهدی^{عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف} به وسیله روایات متواتر ثابت است.^۳ در برخی از این روایات به نام تک تک امامان تصریح شده است؛ مانند روایت معروف به «اولی الامر»^۴ و برخی دیگر که به امامت حضرت مهدی^{عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف} اختصاص دارد؛ برای نمونه، عمرو اهوازی می‌گوید: امام حسن عسکری^ﷺ پسرش را به من نشان داد و فرمود: «این پسر، امام شماست بعد از من».^۵

بنابراین حکومت مهدوی از مهم‌ترین شاخصه عدالت سیاسی یعنی مشروعیت الهی برخوردار است. در عین حال یک نظام سیاسی عدل‌محور گذشته از دارا بودن حق الهی برای حاکمیت بر مردم، بدون داشتن یک پشتوانه مردمی و پذیرش عمومی، امکان اجرایی کردن عدالت را در

۱. طباطبائی، المیزان، ج ۶، ص ۱۹.

۲. کلینی، اصول کافی، ج ۲، ص ۳۶۵.

۳. موسوی اصفهانی، مکمال المکارم، ج ۱، ص ۶۱.

۴. جَابِرُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ الْأَنْصَارِيُّ يَقُولُ: لَمَّا أَنْزَلَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى عَلَى نَبِيِّهِ ﷺ: يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اطِيعُوا اللَّهَ وَاطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ، قُلْتُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ قَدْ عَرَفْنَا اللَّهَ وَرَسُولَهُ فَمَنْ أُولُو الْأَمْرِ مِنْكُمْ الَّذِينَ قَرَنَ اللَّهُ طَاعَتَهُمْ بِطَاعَتِكَ فَقَالَ ع: خُلَفَائِي وَ أَيْمَةُ الْمُسْلِمِينَ بَعْدِي أَوْلَاهُمْ عَلَى بَنِي أَبِي طَالِبٍ ثُمَّ الْحَسَنُ ثُمَّ الْحُسَيْنُ ثُمَّ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ ثُمَّ مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيِّ الْمَعْرُوفُ بِالْتَّوْرَةِ [فِي التَّوْرَةِ] بِالْبَاقِرِ وَ سُنْدَرِكُهُ يَا جَابِرُ فَإِذَا لَقَيْتَهُ فَأَقْرَبُهُ وَبَنِي السَّلَامِ ثُمَّ الصَّادِقُ جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ ثُمَّ مُوسَى بْنُ جَعْفَرٍ ثُمَّ عَلِيُّ بْنُ مُوسَى ثُمَّ مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيِّ ثُمَّ عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ ثُمَّ الْحَسَنُ بْنُ عَلِيِّ ثُمَّ سَمِيُّ وَ كَنِيي حَجَّجَهُ اللَّهُ فِي أَرْضِهِ وَ نَفْسِهِ [بَقِيَّتُهُ] فِي عِبَادِهِ ابْنُ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ ذَلِكَ الَّذِي يَفْتَحُ اللَّهُ تَعَالَى ذِكْرَهُ عَلَيَّ يَدُهُ مَشَارِقَ الْأَرْضِ وَ مَغَارِبَهَا ذَلِكَ الَّذِي يَغِيبُ عَنْ شِيعَتِهِ وَ أَوْلِيَائِهِ غَيْبَةً لَا يَنْبُثُ فِيهَا عَلَى الْقَوْلِ بِإِمَامَتِهِ إِلَّا مَنْ امْتَحَنَ اللَّهُ قَلْبَهُ لِلْإِيمَانِ (خزاز رازی، کنایة الأثر، ص ۵۴).

۵. کلینی، اصول کافی، ج ۲، ص ۵۳۵.

سطح جامعه نمی‌یابد. در چنین نظامی، باید این امکان برای همه فراهم شود که بتوانند در ساختار قدرت شرکت کنند، نسبت به آن احساس بیگانگی ننمایند، حاکمان و مسئولان را نمایندگان واقعی و مشروع خود بدانند، به آزادی عمل خود در جامعه اطمینان داشته باشند و احساس ظلم و نابرابری در گزینش‌ها و تصمیم‌های سیاسی نکنند. در چنین جامعه‌ای هر کس به اندازه قابلیت و توانایی خود در امور سیاسی و اجتماعی دخیل است و توزیع قدرت و مناصب سیاسی بر حسب استحقاق، شایستگی و کارآمدی افراد صورت می‌گیرد.^۱

این ایجاد مقبولیت در عصر ظهور بر اساس روایات، با فراخوانی عمومی برای بیعت با امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف و همچنین فراخوانی آزادانه برای پذیرش اسلام همراه است. امام باقر علیه السلام در روایتی پس از پیش‌گویی در مورد فرو رفتن سپاه سفیانی در «بیداء» (منطقه‌ای بین مکه و مدینه) فرمود: «در آن روز قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف در مکه است؛ در حالی که به بیت‌الحرام تکیه داده و به آن پناه برده است. پس ندا می‌دهد: "ای مردم، ما از خدا یاری می‌طلبیم، پس هر کس ما را یاری کند [سزاوار است؛ چون] ما اهل بیت پیامبران محمد صلی الله علیه و آله هستیم و ما سزاوارترین مردم به خدا و محمد صلی الله علیه و آله می‌باشیم... از شما می‌خواهم به حق خدا و حق رسول خدا صلی الله علیه و آله و حق خودم - چراکه بر شما حق نزدیکی به رسول خدا صلی الله علیه و آله را دارم - که ما را یاری کنید و ما را از کسانی که به ما ظلم می‌کنند بازدارید. ... پس خدا را، خدا را [در مورد ما رعایت کنید]. ما را خوار نسازید و یاری‌مان کنید تا خداوند متعال یاری‌تان کند". پس خداوند متعال یارانش را که سیصد و سیزده مرد هستند، نزد او جمع می‌کند. و این همان آیه‌ای است که خداوند فرمود: این ما تکنونوا یأت بکم الله جمیعاً إن الله علی کل شیء قدير.^۲ پس با او بین رکن و مقام بیعت می‌کنند».^۳

در حدیثی آمده است: «بر روی پرچم حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف نوشته شده است: گوش شنوا داشته باشید و از حضرتش اطاعت کنید».^۴ در روایتی دیگر شعار پرچم حضرت «البيعة لله»

۱. امام جمعه‌زاده، شاخص‌های عدالت سیاسی و راهکارهای تحقق آن، ص ۷۶.

۲. بقره: ۱۴۸ (ترجمه: خداوند همه شما را [برای پاداش و کیفر در برابر اعمال نیک و بد، در روز رستاخیز] حاضر می‌کند؛ زیرا او، بر هر کاری تواناست).

۳. مجلسی، بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۰۵.

۴. همان.

(بیعت برای خدا) می‌باشد؛^۱ بنابراین می‌توان گفت نخستین قدم در راستای تحقق حکومت توحیدی در عصر ظهور، فراهم آوردن حزبی قدرتمند به عنوان هسته اصلی قیام و انقلاب مهدوی است که این امر با فراخوان بیعت از سوی حضرتش انجام خواهد پذیرفت.

۲. مشارکت مردمی پس از تشکیل حکومت

به طور کلی با استناد به آیاتی که در خصوص «شورا»^۲ یا «تعاون در گسترش نیکی‌ها»^۳ وجود دارد و روایات عامی که در این زمینه موجود می‌باشد، می‌توان به اجمال اثبات کرد که حکومت مهدوی زمینه را برای نظارت مردمی خواهد گشود؛ گرچه ممکن است سازوکار این نوع نظارت با استفاده از آیات و روایات روشن نشود.^۴ از دلایل عام مورد استناد در این زمینه، تمسک به سیره پیامبر اکرم ﷺ و امیرالمؤمنین ﷺ در مشورت گرفتن از مردم و خواص حق‌جو است. سفارش امیرالمؤمنین ﷺ در نامه خود به مالک اشتر مبنی بر نهی از خودرأیی در امور حکومت، گواه روشنی در اهمیت مشورت حاکم با افراد شایسته از دیدگاه اسلام است. حضرت می‌فرماید: «در کار کارگزاران بنگر و پس از آزمایش، به کارشان برگمار؛ نه به سبب دوستی با آن‌ها. و بی‌مشورت دیگران به کارشان مگمار؛ زیرا به رای خود کار کردن و از دیگران مشورت نخواستن، گونه‌ای از ستم و خیانت است».^۵ همچنین در تشویق به گوش فرادادن به دادخواهی مردم می‌فرماید: «برای کسانی که به تو نیاز دارند، زمانی معین کن که در آن فارغ از هر کاری به آنان پردازی. برای دیدار با ایشان به مجلس عام بنشین؛ مجلسی که همگان بتوانند در آن حاضر شوند و برای خدایی که آفریدگار توست، در برابرشان فروتنی نمایی و بفرما تا سپاهیان و یاران و نگهبانان و پاسپانان به یک سو شوند، تا سخن‌گویشان بی‌هراس و بی‌لکنت زبان سخن خویش بگویند؛ که من از رسول الله ﷺ بارها شنیدم که می‌گفت: "یاک و آراسته نیست امتی که در آن امت، زبردست

۱. صدوق، کمال الدین و تمام‌النعمة، ج ۲، ص ۶۵۴.

۲. «وامرهم شوری بینهم» شوری، ۳۸.

۳. «تعاونوا علی البرّ و التقوی» مائده، ۲.

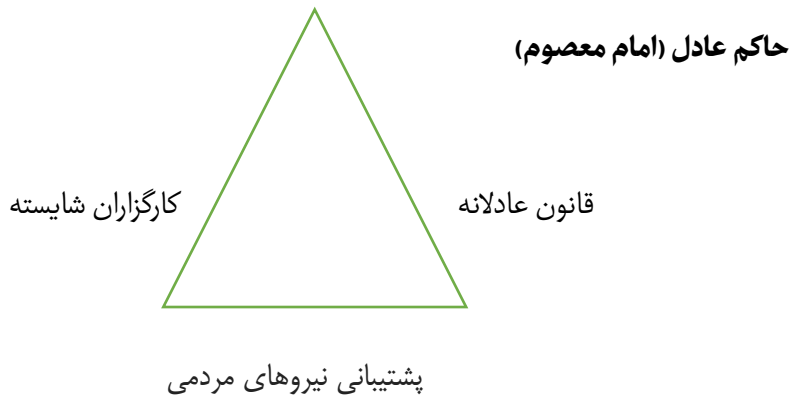
۴. قربان زاده، عدالت مهدوی و توسعه سیاسی، ص ۸۹.

۵. نهج البلاغه، نامه ۵۳.

نتواند بدون لکنت زبان، حق خود را از قوی دست بستاند»^۱. امروزه حق انتقاد و نظارت مردم و پاسخ‌گویی مسئولان از وجوه بارز مشارکت سیاسی برشمرده می‌شود.^۲ حدیثی که حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام در اینجا از حضرت رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل می‌کند، به گشودن راهی به منظور شنیدن دادخواهی‌های مظلومان اشاره دارد و این خود به معنای بی‌ها دادن به «نظارت مردمی» بر اعمال کارگزاران است. تصور این مطلب که در حکومت عدل‌گستر مهدوی بر خلاف این سیره رفتار شود، امری دور از ذهن و دور از باور است.

۳. چالش‌های پیش‌رو در راستای تحقق عدالت سیاسی

از مجموع آنچه گفته شد می‌توان چنین نتیجه گرفت که هندسه تحقق عدالت سیاسی در عصر ظهور، متوقف بر وجود چهار عنصر اساسی است که در نمودار زیر ارائه می‌شود:



حاکم جامعه که خود باید جلوه تمام و کمال عدل الهی باشد، در رأس یک تشکیلات عدل‌محور قرار دارد؛ چرا که بدون وجود ولی الهی که مرکزیت دهنده به عناصر حکومتی و قوانین دولتی است، امکان اجرای عدالت در گستره وسیع اجتماع انسانی امکان‌پذیر نیست. رکن دیگر این ساختار، قانونی است که فراتر از قوانین بشری بوده و سازوکار تحقق عدالت را در تمام

۱. همان.

۲. امام جمعه زاده، شاخص‌های عدالت سیاسی و راهکارهای تحقق آن، ص ۸۰.

زویای زندگی فردی و اجتماعی انسان‌ها پوشش دهد. رکن سوم، نهادهای عینی اعمال قدرت در همه عرصه‌های سیاسی، اقتصادی، قضایی و فرهنگی می‌باشند. همه این‌ها با وجود برخورداری از مشروعیت الهی یعنی دارا بودن حق حکومت از سوی خداوند متعال، بدون خواست و حمایت مردم، توانایی حاکمیت بر اساس عدل و قسط را نخواهند داشت. با این مقدمه، ساختار علمی آسیب‌شناسی چالش‌های پیش از ظهور و پس از آن در راستای تحقق عدالت اجتماعی روشن می‌شود. در این جا به مهم‌ترین این چالش‌ها با گذری در آیات و روایات پرداخته می‌شود.

الف. فقدان ولایت‌پذیری

تجربه تاریخ و شهادت حوادث عصر کنونی به همراه روایات تأمل برانگیز از کلام امامان علیهم‌السلام نشان می‌دهد نبود نیروهای کارآمد و در عین حال ولایت‌پذیر که با تشکیلات سیاسی مطلوب در جامعه، همراه و همسو محسوب شوند، از چالش‌های پیش از ظهور است؛ به گونه‌ای که یکی از علل غیبت امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف در برخی احادیث، عدم آمادگی کامل در میان خواص معرفی می‌شود. به عبارت دیگر دو شاخصه مهم کارآمدی مجریان قانون در عصر غیبت عبارتند از: تخصص در زمینه‌های مختلف اعم از علمی، سیاسی، فرهنگی و اقتصادی و دیگری که ریشه در پذیرش ولایت الهی دارد، پذیرش ولایت تامّ امام معصوم است که به عنوان جزئی از میثاق الهی و از شرایط توحید است.^۱

از منظر هنجاری، این دو شاخصه ارتباط تنگاتنگی با هم دارند؛ به گونه‌ای که افراد ولایت‌پذیر بدون تخصص، یا متخصص بدون روحیه ولایت‌پذیری ثمره‌ای برای حکومت مهدوی نخواهند داشت؛ چنانکه در عصر امام صادق علیه‌السلام شخصی به نام سهل خراسانی خدمت امام رسید و با حالت اعتراض گفت: «یابن رسول الله، شما رئوف و مهربان هستید. چرا از حق خود دفاع نمی‌کنید؟ شما بیش از صد هزار شمشیرزن دارید». حضرت فرمود: «ای مرد خراسانی، بنشین». سپس حضرت امر کرد تنور را روشن کنند. وقتی تنور برافروخته شد، حضرت به مرد

۱. «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ حِصْنِي فَمَنْ دَخَلَ حِصْنِي آمِنَ مِنْ عَذَابِي قَالَ فَلَمَّا مَرَّتِ الرَّاحِلَةُ نَادَانَا بِشُرُوطِهَا وَ أَنَا مِنْ شُرُوطِهَا» صدوق، عیون أخبار الرضا علیه‌السلام، ج ۲، ص ۱۳۵.

خراسانی فرمود: «بلند شو و داخل تنور شو». مرد خراسانی ترسید و گفت: «یابن رسول الله، مرا با آتش مسوزان، مرا عفو کن». در این هنگام هارون مکی از اصحاب امام صادق علیه السلام وارد شد؛ در حالی که يك كفش خود را به انگشت گرفته بود، خدمت امام رسید و سلام کرد. امام جواب سلام او را داد و فرمود: «برو داخل تنور». هارون - بدون چون و چرا - نعلین را انداخت و داخل تنور شد. امام شروع کرد با مرد خراسانی صحبت کردن و از اوضاع خراسان از او می پرسید؛ سپس فرمود: «ای خراسانی، برو و داخل تنور را نگاه کن». مرد خراسانی به طرف تنور رفت و دید هارون مکی چهارزانو روی آتش نشسته است. امام علیه السلام از مرد خراسانی پرسید: «چند نفر از این‌ها در خراسان دارید؟» خراسانی عرض کرد: «به خدا قسم، يك نفر هم نیست». امام علیه السلام فرمود: «پنج نفر یاور این چنین نداشته باشیم، قیام نخواهیم کرد».^۱

در عصر ظهور، امام با ۳۱۳ یار کارآمد و توانمند و تحت فرمان که ولایت امام را با تمام وجود پذیرفته‌اند به اهداف مورد نظر می‌رسد. فقدان افراد ولایت‌پذیر در عصر غیبت، چالش‌های بزرگی را ایجاد کرده است. دشمنان نیز به این امر کاملاً واقف هستند و همواره در کمین و در حال شناسایی نیروهای فعال، هوشمند و ولایت‌پذیر هستند و با ترورهای مستقیم یا بیولوژیک آنان را از بین می‌برند تا هیچ‌گاه جامعه اسلامی تنومند و مقتدر نشود. فقدان این ولایت‌پذیری به منظور عدم معرفت به جایگاه ولایت در عالم هستی است. توحید و پرستش حقیقی خداوند متعال، پذیرش تامّ ولایت اولیای الهی و تبزّی تامّ از اولیای طاغوت می‌باشد.

ابن ابی یعفر گوید: به امام صادق علیه السلام گفتم: «من با مردم آمیزش می‌کنم؛ بسیار شگفتم از مردمانی که پیرو و دوست شما نباشند و به دنبال فلان، و فلان افتند، با اینکه خود، امانت‌دار و راست‌گو و باوفایند. و در شگفتم از مردمی که پیرو و دوست شما نیستند و آن درجه از امانت و راستی و وفاداری را ندارند». امام آماده نشست و مانند مرد خشم‌آلود به من رو کرد و سپس فرمود: «کسی که به وسیله پیروی امام جائر که از طرف خدا نیست برای خدا دینداری کند، اصلاً دین ندارد و کسی که پیرو و دوست امام عادل از طرف خدا باشد، گله‌ای از او نشاید». گفتم: «نه آنان دین دارند و نه اینان گله را شایند؟» فرمود: «آری؛ نه آنان دین دارند و نه اینان گله را شایند». سپس

۱. ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب علیهم السلام، ج ۴، ص ۲۳۷.

فرمود: «مگر گوش نمی‌دهی به قول خداوند عزوجل: "اللَّهُ وَبِئْسَ الَّذِينَ آمَنُوا يُحْرِجُهُمْ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ"؛ یعنی از تیرگی گناهان به روشنی توبه و بازگشت و آمرزش؛ به سبب پیروی‌شان از هر امام عادل منصوب از طرف خدا». و فرمود: «وَ الَّذِينَ كَفَرُوا أُولِيَاؤُهُمُ الظَّالِمُونَ يُحْرِجُوهُمْ مِنَ النُّورِ إِلَى الظُّلُمَاتِ. همانا مقصود این است که در پرتو نور اسلام بودند و چون به امامان جائز و ستمکار گرویدند که از طرف خدا عزوجل نبودند، به وسیله پیروی آنان از نور مسلمانی بیرون شدند به درون تیرگی‌های کفر و خدا آن‌ها را مستحق دوزخ ساخت به همراه کفار، و أُولِيَاؤُهُمُ الظُّلُمَاتِ»^۱.

پذیرش ولایت طاغوت، انسان را از مسیر ولایت الهی خارج کرده، در ظلمات قرار می‌دهد. دینداری به معنای پذیرش ولایت تام الهی و اولیای الهی است که در صورت موفقیت، افراد جامعه به سعادت می‌رسند؛ بنابراین شخص دینداری که ولایت‌مدار نیست، در ظلمات محض است و این چالش مهم در عصر غیبت می‌باشد که ریشه در عدم معرفت به ولایت تام الهی، از سوی دینداران دارد.

ب. کمبود همدلی در میان شیعیان (نیروهای مردمی)

فراگیر ساختن عدالت در بعد سیاست، نیازمند زمینه‌سازی برای تغییر ساختارهای موجود و جلب حمایت‌های مردمی است. هیچ فرد یا گروهی بدون داشتن پشتوانه مردمی لازم، قادر به ایجاد تحولات اجتماعی ماندگار نخواهد بود. بی‌شک ظهور امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف و دعوی تشکیل حکومت از سوی ایشان در شرایطی که حتی در میان جامعه شیعی در زمان ظهور، همدلی، اتحاد و خواست قلبی برای شکل‌گیری چنین تحول دینی و دنیایی موجود نباشد، با شکست یا مشکلات فراوان روبه‌رو خواهد بود. ولایت جمعی میان شیعیان بر محور ولایت اهل بیت علیهم السلام امری است که در زیارت عاشورا نیز در کنار تبرّی از دشمنان ایشان مطرح شده است: اِنِّي سَلِّمٌ لِمَنْ سَأَلَكَمْ وَ حَرْبٌ لِمَنْ حَارَبَكُمْ - وَ وِلِّيٌّ [مُؤَالٍ] لِمَنْ وَالَاكُمْ وَ عَدُوٌّ لِمَنْ عَادَاكُمْ.^۲

در ضمن توقیعی که به شیخ مفید رحمته الله رسیده، آمده است:

۱. کلینی، اصول کافی، ج ۳، ص ۳۶.

۲. ابن قولویه، کامل الزیارات، ص ۱۷۷.

وَلَوْ أَنَّ أَشْبَاعَنَا وَفَقَّهُمُ اللَّهُ لَطَاعَتِهِ عَلَى اجْتِمَاعِ مِنَ الْقُلُوبِ فِي الْوَفَاءِ بِالْعَهْدِ عَلَيْنِهِمْ لَمَا تَأَخَّرَ عَنْهُمْ الْيُمْنُ بِلِقَائِنَا وَتَعَجَّلَتْ لَهُمُ السَّعَادَةُ بِمُشَاهَدَتِنَا عَلَى حَقِّ الْمَعْرِفَةِ وَصِدْقِهَا مِنْهُمْ بِنَا فَمَا يَحْسِبُنَا عَنْهُمْ إِلَّا مَا يَتَّصِلُ بِنَا مِمَّا نَكْرَهُهُ وَلَا نُؤْتِرُهُ مِنْهُمْ.^۱

این حدیث شریف که از ناحیه مقدسه ولی عصر عَلَيْهِ السَّلَامُ رسیده، خود به روشنی، گویای این مطلب است که تا زمانی که یک پارچگی و همدلی میان شیعیان پیش از ظهور حاصل نشود، امر فرج که تشکیل حکومت و اجرای عدالت را به دنبال دارد، محقق نخواهد شد. شاهد بر این مدعا، روایاتی است که همدلی و ولای میان شیعیان را از کمالات ایمانی و اخلاقی معرفی کرده است که مؤمنان باید با تلاش وافر به این مقصود نائل شوند؛ برای نمونه:

قِيلَ لِأَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِنَّ أَصْحَابَنَا بِالْكَوْفَةِ لَجَمَاعَةٌ كَثِيرَةٌ فَلَوْ أَمَرْتَهُمْ لِأَطَاعُوكَ وَاتَّبَعُوكَ. قَالَ: يَبِيءُ أَحَدُكُمْ إِلَى كَيْسٍ أَخِيهِ فَيَأْخُذُ مِنْهُ حَاجَتَهُ؟ فَقَالَ: لَا فَقَالَ هُمْ بِدِمَائِهِمْ أَجْلٌ.^۲

سپس افزود:

إِذَا قَامَ الْقَائِمُ جَاءَتِ الْمُرَائِلَةُ وَأَتَى الرَّجُلُ إِلَى كَيْسٍ أَخِيهِ فَيَأْخُذُ حَاجَتَهُ فَلَا يَنْعُهُ.^۳

این حدیث شریف و احادیثی از این دست نشان‌دهنده نقش پررنگ سطح معرفتی و اخلاقی مردم به منظور زمینه‌سازی برای ظهور و تقویت جبهه حق هنگام ایجاد تشکیلات واحده تحت حاکمیت ولی الهی برای اجرای عدالت و تحقق کلمه توحید در سراسر گیتی است.

۱. طبرسی، الإحتجاج، ج ۲، ص ۴۹۹ (ترجمه: اگر شیعیان ما - که خداوند آن‌ها را در راه پیروی از خود موقشان دارد- دل‌هایشان در وفا به پیمانی که با ما دارند، یکپارچه بود، از فیض ملاقات ما محروم نمی‌گشتند و سعادت دیدار با معرفتشان با ما زودتر فراهم می‌شد. این دیدار به تأخیر نمی‌افتد، مگر به سبب اخبار ناخوشایندی که از آنان به ما می‌رسد).

۲. عاملی، وسائل الشیعة، ج ۵، ص ۱۲۱ (ترجمه: به امام باقر عَلَيْهِ السَّلَامُ گفته شد: یارانمان در کوفه بسیارند. اگر فرمان دهی، از تو فرمان برداری خواهند کرد. آن حضرت فرمود: کسی از آن‌ها سراغ جیب برادرش می‌رود تا حاجتش برگیرد؟ گفت: نه. حضرت فرمود: پس آنان در نثار خون خویش بخیل‌ترند).

۳. همان. (ترجمه: آنگاه که قائم قیام کند، دوران رفاقت فرارسد. مرد به سراغ مال برادر رفته، حاجت خود برگیرد و کسی او را منع نکند).

نتیجه‌گیری

عدالت اجتماعی در عصر ظهور عدالتی فراگیر است و همه ساختارهای اجتماعی را در بر می‌گیرد؛ عدالت سیاسی، عدالت فرهنگی، عدالت اقتصادی و عدالت قضایی، ابعاد گوناگون عدالت در عرصه اجتماع است که حکومت مهدوی عهده‌دار اجرای آن‌ها در سرتاسر جهان خواهد بود. ایجاد عدالت در هریک از عرصه‌های ذکر شده، راهکارهای متناسب با خود را می‌طلبد که با تکیه بر هیئت حاکمه‌ای عدالت‌پیشه محقق خواهد شد.

عدالت سیاسی که به معنای اعطای حقوق مردم در حوزه حاکمیت و رهبری است، با برقراری حکومت صالحان در زمین شکل خواهد گرفت. حکومتی که مقدمه تشکیل آن، فراخوان بیعت عمومی و فراخوان اسلام است تا با تکیه بر قدرت مردمی و مقبولیت عامه پایه‌های اصلی خود را بنا نهد. طبیعتاً این فراخوان با پذیرش همگانی مواجه نخواهد شد؛ ولی مقابله عملی، فقط با مخالفانی صورت می‌گیرد که سعی در فتنه‌انگیزی و مانع‌تراشی بر سر راه تشکیل این حکومت داشته، خود آتش جنگ و فتنه را بنا می‌نهند. پس از شکل‌گیری حکومت صالحان در سرتاسر جهان، راهبردهای تحقق عدالت سیاسی همچنان دنبال خواهد شد و با برپایی ساختاری عادلانه و تقویت آن با مشارکت سیاسی و نظارت مردمی بر سازوکار اجرای عدالت، امنیت و عدالت سیاسی محقق می‌شود.

مرکزیت یک امام معصوم در رأس قدرت و همراهی مردم با آرمان‌های عدالت‌خواهانه وی رمز اساسی در عدل‌گستری در حکومت مهدوی خواهد بود. چالش‌های پیش رو در تحقق چنین حکومتی، فقدان معرفت و شناخت کافی از ولایت الهی در عصر غیبت است که به سبب آن مدیریت ولایت‌مدار تضعیف می‌شود و دین‌داران ظاهرالصلاح با در دست‌گرفتن مناصب اصلی و عدم مدیریت صحیح در مسیر اسلام ناب محمدی و تحقق عدالت اسلامی در عصر غیبت، ارزش‌های دینی را وارونه جلوه می‌دهند، پای‌بندی به احکام الهی ضعیف و بنیان‌های اعتقادی مسلمانان متزلزل و سست می‌شود و دین‌داری به مثابه نگه داشتن گیاه پرخار در دستان می‌باشد.

منابع

*قرآن کریم

*نهج البلاغة

۱. آشوری، داریوش، *دانشنامه سیاسی*، مروارید، چاپ نهم، تهران، ۱۳۸۲.
۲. آشوری، محمد، *حقوق بشر و مفاهیم مساوات عدالت و انصاف*، دانشکده حقوق و علوم سیاسی تهران، ۱۳۸۳.
۳. ابن شهر آشوب مازندرانی، محمد، *مناقب آل أبي طالب*، علامه، قم، ۱۳۷۹ق.
۴. ابن قولویه، جعفر، *کامل الزیارات*، دار المرتضویة، نجف.
۵. ابن منظور، محمد، *لسان العرب*، داراحیاء التراث العربی، بیروت، ۱۴۱۹ق.
۶. امام جمعه زاده، سیدجواد، *اخجسته*، جمیل، *شاخص های عدالت سیاسی و راهکارهای تحقق آن*، «پژوهش های سیاسی»، ش ۲، ۱۳۹۰.
۷. دیلمی، احمد، *مشارکت سیاسی در اندیشه اسلام و غرب*، «پژوهش های اجتماعی اسلامی»، ش ۱۶، ۱۳۷۸.
۸. راغب اصفهانی، حسین، *مفردات الفاظ قرآن کریم*، ترجمه: حسین خداپرست، نوید اسلام، قم، ۱۳۸۹.
۹. رامین، فرح، «مهدویت و اخلاق جنگ و صلح»، *مجموعه مقالات سومین همایش دکترین مهدویت*، قم، مؤسسه آینده روشن، ۱۳۸۶.
۱۰. جوهری، اسماعیل بن حماد، *صحاح*، دارالعلم، قاهره، ۱۴۰۷ق.
۱۱. حر عاملی، محمد، *وسائل الشیعة*، مؤسسه آل البيت، قم، ۱۴۰۹ق.
۱۲. خزاز رازی، علی بن محمد، *کفایة الأثر*، بیدار، قم، ۱۴۰۱ق.
۱۳. شایان مهر، علیرضا، *دائرة المعارف تطبیقی علوم اجتماعی*، کیهان، تهران، ۱۳۸۰.
۱۴. *صحیفه نور*، سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی، چاپ اول، تهران، ۱۳۶۹.
۱۵. صدوق، محمد، *أمالی*، کتابخانه اسلامی، بی جا، ۱۳۶۲.
۱۶. صدوق، محمد، *عیون أخبار الرضا*، جهان، تهران، ۱۳۷۸ق.
۱۷. _____، *کمال الدین و تمام النعمة*، دارالکتب الاسلامیة، قم، ۱۳۹۵.
۱۸. طباطبائی، سید محمد حسین، *المیزان*، ترجمه: سید محمدباقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، ۱۳۷۴.
۱۹. طبرسی، احمد بن علی، *الإحتجاج*، مرتضی، مشهد، ۱۴۰۳ق.
۲۰. طلوعی، محمود، *فرهنگ جامع سیاسی*، چاپ سوم، علم، تهران، ۱۳۸۵.
۲۱. طوسی، محمد، *الأمالی*، دارالثقافة، قم، ۱۴۱۴ق.
۲۲. علی بابایی، غلامرضا، *فرهنگ سیاسی آرش*، آشیان، چاپ دوم، تهران، ۱۳۸۴.
۲۳. فراهیدی، خلیل بن احمد، *ترتیب کتاب العین*، اسوه، قم، ۱۴۱۴ق.

۲۴. فیومی، احمد، مصباح المنیر، دارالهجرة، قم، ۱۴۲۵ق.
۲۵. قربان زاده، مهدی، عدالت مهدوی و توسعه سیاسی، «انتظار»، ش ۱۵، ۱۳۸۴.
۲۶. کلینی، محمد، اصول کافی، ترجمه: محمدباقر کمره‌ای، اسوه، چاپ دوم، قم، ۱۳۷۲.
۲۷. مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، مؤسسه الوفاء، بیروت، ۱۴۰۴ق.
۲۸. مطهری، مرتضی، عدل الهی، صدرا، چاپ پانزدهم، قم، ۱۳۷۹.
۲۹. مصباح یزدی، محمدتقی، جمهوریت در نظام سیاسی اسلام، «فصلنامه بازتاب اندیشه»، ش ۸، ۱۳۷۹.
۳۰. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، دارالکتب الاسلامیه، تهران، ۱۳۷۴.
۳۱. موسوی اصفهانی، سید محمدتقی، مکیال المکارم، ترجمه سید مهدی حائری قزوینی، مسجد مقدس جمکران، قم، ۱۳۸۳.
۳۲. نعمانی، محمد، الغیبه، مكتبة الصدوق، تهران، ۱۳۹۷.